

طراحی الگوی تربیت معنوی براساس

سیره علمی و عملی آیت الله ناصر مکارم شیرازی

کمال الدین مظلومی زاده*

چکیده

مباحث تربیتی در شرع مقدس اسلام به طور کامل و جامع بیان شده، اما سطح آگاهی جامعه از این مباحث، رضایت بخش نیست و فضای تربیتی و معنوی جامعه به بحران دچار شده است. علت اساسی این امر را می توان در چگونگی ارائه مباحث اخلاقی، تربیتی و عرفانی دانست؛ چراکه مسائل تربیتی به صورت «نظام مند» و «مرحله ای» براساس مبانی و مؤلفه های اسلامی ارائه نمی شود. همچنین در این زمان در پی گرایش روزافزون نسل جوان به معنویت از یک سو و پیدایش و فعالیت فرقه های به اصطلاح عرفانی از سوی دیگر، نیازمند الگویی هستیم تا انسان های حقیقت طلب بتوانند با الهام گیری از آن، در تربیت معنوی قدم بردارند؛ از این رو این نوشتار درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا می توان الگویی از سیره علمی و عملی آیت الله ناصر مکارم شیرازی به دست آورد تا خلأ موجود را جبران کند و چراغ راهی برای طالبان حقیقت باشد؟ آیت الله ناصر مکارم شیرازی یکی از وارثان مکتب عرفانی نجف می باشد که روش تربیتی وی با وجود مبانی متقن و مؤلفه هایی که جان مایه از قرآن و سنت نبوی دارد، خلأهای موجود را پر کرده، شایستگی ارائه الگویی جامع و کامل را دارد.

پژوهش حاضر از نوع بنیادی و با روش اسنادی است که با توجه به مؤلفه های تربیتی مکتب نجف و با روش مصاحبه و بهره گیری از آثار مکتوب و اسناد برجای مانده از سیره علمی و عملی آیت الله ناصر مکارم شیرازی، به روش توصیفی تحلیلی، الگویی ارائه

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت از موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) قم؛ mazlomil10@yahoo.com



می دهد. این الگو به صورت تحلیلی، عملی و ساختاری، مسیر بندگی تا شهود حضرت حق را ترسیم می نماید، به گونه ای که سالک، با انجام مراقبه ظاهری و باطنی و با گذراندن مراتب اخلاص، توفیق راه یابی به «معرفت نفس» را پیدا می کند و از این طریق، به توحید «افعالی»، «صفاتی» و «ذاتی» راه می یابد که با مقام «مخلصان» و «مخلصان» همراه خواهد بود.

کلیدواژه: الگو، تربیت، تربیت معنوی، سیره علمی و عملی، مکتب نجف، آیت الله ناصر رحمته الله علیه.

مقدمه

دین روشنگر اسلام از آغاز پیدایش، در درون خود از معنویتی ژرف و توحیدی ناب برخوردار بوده و شریعت، طریقت و حقیقت را در خود جمع کرده است.

حافظان اصلی دین اسلام در عصر غیبت، عالمان و فقیهانی هستند که هر یک گنجینه گران بهای تمدن اسلامی بوده، عطر و بویی تازه دارند.

از جمله عالمان و فرزانه‌گانی که نمایانگر علم، تقوا، تعالیم عالی اسلامی و الگویی برای جامعه بشری اند، عالمان و عارفان مکتب نجف می باشند. مکتب عرفانی نجف اشرف، مجموعه ای منسجم از مؤلفه های تربیتی، با رویکرد اخلاقی عرفانی است که برگرفته از شرع مقدس اسلام می باشد و حاصل آرا و اندیشه های عالمانی است که از سید علی شوشتری رحمته الله علیه شروع می شود و به علامه سید علی قاضی رحمته الله علیه و شاگردان سلوکی او می رسد. (مظلومی زاده، ۱۳۹۸: ۵۳) یکی از این عارفان اهل دل حضرت آیت الله ناصر رحمته الله علیه است که خداوند به زمانه ما موهبت کرد تا تربیت شاگردان توحیدی را به عهده گیرد و با بیانی ژرف، آموزه های والای معرفتی و تربیتی را با زبانی ساده به تشنگان راه حق، معرفی نماید؛ عارفی که وارث مکتب نجف بوده، از محضر اساتیدی چون آیت الله سید جمال گلپایگانی رحمته الله علیه، آیت الله سید محمد کشمیری رحمته الله علیه، آیت الله شیخ عباس قوچانی رحمته الله علیه، آیت الله شیخ محمد کوفی رحمته الله علیه و حاج عبدالزهره گرعاوی رحمته الله علیه بهره برده است.

ارتباط آیت الله ناصر رحمته الله علیه با اساتید اخلاق و معنویت و جدی بودن و کوشش در علم و عمل، شخصیتی جامع و ممتاز از وی ساخت که در ادامه به برخی از ویژگی های علمی و عملی ایشان می پردازیم:



۱. جدیت در تحصیل؛ ایشان هنگام تحصیل در نجف اشرف بسیار جدی و پرتلاش بود تا جایی که از آیت‌الله سید محمود شاهرودی رحمته‌الله اجازهٔ اجتهاد دریافت کرد.

۲. آمیختن تهذیب و عرفان با تحصیل؛ برخی از علما و فقها شأن علمی والایی دارند؛ ولی گرایش تهذیبی و عرفانی ندارند. آیت‌الله ناصر رحمته‌الله فقاقت را با تهذیب و عرفان آمیخته بود.

۳. ارتباط همیشگی و توسل ویژه به حضرت حجت رحمته‌الله؛

۴. امتداد اجتماعی در عرفان و سلوک؛ ایشان از مسائل سیاسی و دفاع از نظام و رهبری تا ساخت مدرسه، بیمارستان و رسیدگی به امور مردمی غافل نبود. (ر.ک: فروزبخش، ۱۴۰۱: ۳۳)

۵. زندگی زاهدانه؛ زهدی که دفتری جداگانه برای شرح آن لازم است. (ر.ک: همو: ۳۵، ۶۰،

۱۱۱ و ۱۲۲)

در این مقاله الگویی از سیره علمی و عملی آیت‌الله ناصر رحمته‌الله در ساحت تربیت معنوی ارائه کرده‌ایم. در ابتدا طرح‌وارهٔ کلی تربیت با فرایندی سه‌مرحله‌ای را بیان می‌کنیم که عبارت است از:

۱. بندگی خالصانه؛

۲. معرفت نفس؛

۳. شهود حضرت حق.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان به عبودیت خالصانه دست یافت؟ «مراقبه» محور اساسی این الگوی تربیتی است که راه دستیابی به بندگی خالصانه را هموار می‌کند و زمینه را برای راه‌یابی به معرفت نفس و شهود حضرت حق فراهم می‌سازد. از این رو در ادامه، دربارهٔ مراقبه، انواع و مراتب آن، بحث خواهیم کرد.

مفهوم‌شناسی

الگو، در زبان فارسی به معنای طرح، سرمشق و شکل‌بندی به‌کار می‌رود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۲۴۸) این کلمه را در زبان عربی با واژهٔ *نَمُودَج*، *نمط*، *قُدَوَة* (آذرتوش، ۱۳۹۰: ۱۱ و ۵۳۳ و ۷۱۷) و در زبان انگلیسی با واژگانی چون *Model* و *Pattern* به‌کار می‌برند. (حق‌شناس، ۱۳۸۱: ۱۰۸۲ و ۱۲۳۸)

در معنای اصطلاحی از الگو، تعریف‌هایی گوناگون ارائه کرده‌اند. (ر.ک: میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۲۷؛

باقری، ۱۳۸۹: ۹) و از آنجایی که تحقیق حاضر در حوزهٔ مطالعاتی ویژه به نام تربیت معنوی





سخن می‌گوید لازم است تعریفی مناسب با این نوشتار ارائه شود. از این رو معنای الگو در این تحقیق عبارت است از: طرحی برگرفته از سیره علمی و عملی آیت‌الله ناصر علی (علیه السلام) در ساحت تربیت معنوی که عناصری به هم پیوسته را مشخص می‌کند و راهنمای رفتار برای مربی و متربی می‌باشد و وظایف و نقش آنان را در این مسیر نشان می‌دهد و می‌تواند به صورت تحلیلی، عملی و ساختاری ارائه شود.

این تحقیق به طرح‌واره آغازین و کلی تربیت معنوی براساس سیره آیت‌الله ناصر علی (علیه السلام) پرداخته و دیگر مؤلفه‌های تربیتی به پژوهشی دیگر نیازمند است.

برای تعریف تربیت معنوی لازم است در ابتدا دو واژه «تربیت» و «معنویت» را بررسی کنیم. تربیت در لغت به معنای پروردن و پروراندن آمده است که معادل آن در زبان فارسی «پرورش» و در زبان انگلیسی «Education» می‌باشد. تعریف‌های اصطلاحی تربیت گوناگون‌اند و برای دستیابی به تعریفی جامع، لازم است عناصر لازم در تربیت را بیان کنیم که عبارت‌اند از:

۱. فعالیت‌های هدفمند؛

۲. مربی (عنصر اثرگذار) و متربی (عنصر اثرپذیر)؛

۳. برنامه‌ای منظم و پیوسته؛

۴. توجه به ساحت‌های گوناگون بینشی، گرایشی و رفتاری در انسان.

با توجه به عناصر موجود، می‌توان تربیت را این‌گونه تعریف کرد: مجموعه فعالیت‌های هدفمند با برنامه‌ریزی دقیق و پیوسته، زیر نظر معلمی کارآزموده، به منظور رشد و شکوفایی بینش، گرایش و کنش فراگیران برای رسیدن به کمال مطلوب.

واژه «معنوی» اسم منسوب از «معنی» به معنای درونی، باطنی، روحی و عرفانی است. «معنوی» در مقابل ظاهری و مادی به کار می‌رود. این کلمه در زبان انگلیسی با عنوان Spiritual به کار می‌رود. معنوی و معنویت در اصطلاح، ارتباط باطنی با جهان هستی و مبدأ هستی است. معنویت قبل از اینکه جنبه‌های جاری و دستوری داشته باشد جنبه‌های هستی‌شناسانه دارد. معنویت، ارتباط حقیقی و معرفتی انسان با هستی است. معنویت فرازوی از عالم ماده و ارتباط با عالم قدس است که سبب اشتداد وجودی آدمی می‌شود.

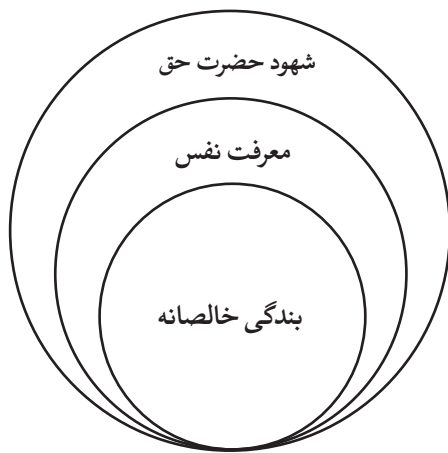
با توجه به توضیحی که بیان شد، تربیت معنوی همان سیر و سلوک، عرفان عملی و تربیت



عرفانی می‌باشد که عبارت است از: مجموعهٔ فعالیت‌های تربیتی با برنامه‌ریزی دقیق و پیوسته که به منظور شهود حضرت حق، با گذراندن مراحل و منازل، زیر نظر استادی شایسته و وارسته، بر مبنای شریعت انجام می‌گیرد.

طرح‌وارهٔ کلی تربیت معنوی

هدف پایانی تربیت معنوی، شهود حضرت حق است و معرفت شهودی خداوند متعال نیز با معرفت نفس هم‌آغوش است. معرفت نفس نیز از راه بندگی به دست می‌آید. با نگاه کلی به سخنان آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه و مصاحبه‌ای که با ایشان صورت گرفت به این نتیجه دست یافتیم که طرح‌وارهٔ کلی سلوکی ایشان نیز مانند اساتید پیشینشان یعنی عارفان مکتب نجف که جان‌مایه از شریعت نبوی صلی‌الله علیه و آله دارد، از عبودیت آغاز می‌گردد و از راه معرفت نفس به شهود می‌انجامد.



نمودار: طرح‌وارهٔ کلی تربیت معنوی از بندگی تا شهود

قرب الهی یا شهود حضرت حق

هیچ انسانی، خواستار نقص خویشتن نیست؛ بلکه به‌طور فطری خواهان کمال است. (ر.ک: ناصری، الف، ۱۴۰۱: ۱۳۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۳) کمال طلبی انسان نیز بی‌پایان است؛ چراکه انسان به هر مرتبه از کمالات که دست می‌یابد راضی نمی‌شود و همواره کمال برتری را می‌جوید. اما پرسش اساسی و مهم این است که کمال اصلی و نهایی انسان چیست؟



کمال نهایی انسان در پرتو ارتباط نزدیک با سرچشمه همه کمالات یعنی کمال مطلق شکل می‌گیرد که خداوند متعال است. با توجه به این مطلب، «قرب الهی»، مطلوب نهایی انسان خواهد بود. آیت‌الله ناصرؑ نیز با استناد به آیات و روایات، هدف پایانی خلقت را قرب الهی معرفی می‌کند. (ر.ک: ناصر، د، ۱۴۰۱، ج: ۱، ۳۴۰)

«قرب» در لغت ضد واژه «بُعد» و به معنای نزدیکی و نزدیک شدن می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۳) قرب در کلام عرب به دو صورت مادی و معنوی به کار رفته است. (همو) نزدیک بودن خداوند متعال از نوع قرب معنوی است؛ چراکه براساس مبانی هستی‌شناختی اسلامی، خداوند متعال موجودی بسیط و غیرمادی است که کران تا کران هستی را پر کرده و بر همه چیز محیط است: «إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ». (فصلت: ۵۴)

بنابراین، قرب خداوند سبحان، مکانتی است نه مکانی. همچنین فرازمانی است نه زمانی و مادی.

قرب از سنخ معرفت است و از آن به توحید، فنا و شهود تعبیر می‌شود. آیت‌الله ناصرؑ در این باره می‌فرماید: «هدف از خلقت، رسیدن به کمال است. هدف از خلقت این است که مراتب معرفت طی شود. هدف از خلقت آن است که انسان موحد بشود و به جمیع مراتب توحید برسد.» (ناصری، الف، ۱۴۰۱: ۱۳۳) ایشانؑ سه مرتبه برای توحید بیان می‌کند که عبارت است از: توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی. آنگاه می‌فرماید: اگر انسان بخواهد به کمال برسد باید این سه مرتبه را بگذراند. میوه چنین توحیدی اخلاص تام خواهد بود که از آن به مقام مخلصان تعبیر می‌کنند. (ناصری، د، ۱۴۰۱، ج: ۱، ۲۰۰ و ۳۴۰؛ همو، ج: ۲، ۴۳۶) ایشان در جایی دیگر با استناد به آیات و روایات، مراتب سه‌گانه علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین را محور بحث قرار می‌دهد و کمال حقیقی انسان را راه‌یابی به عین‌الیقین و در نهایت حق‌الیقین می‌داند که این تقسیم نیز با توحید هماهنگ است. (ناصری، الف، ۱۴۰۱: ۲۷۱)

معرفت نفس

با توجه به آیات و روایات گوناگون و دلیل عقلی، سیر انفسی یا معرفت نفس، نزدیک‌ترین و بهترین راه برای رسیدن به خداوند متعال است؛ چراکه از سنخ معرفت شهودی بوده، انسان را به غایت علم و معرفت می‌رساند. به همین دلیل امیرمؤمنانؑ می‌فرمایند: «خودشناسی مایه دستیابی به غایت و منتهای هر شناخت و علمی است.» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۲۳۲) از این رو



عرفای مکتب نجف «اَقْرَبُ الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ» (نزدیک‌ترین راه به سوی خدا) را معرفت نفس معرفی کرده‌اند. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۱: ۱۲۱ و ۱۲۳) علامه طباطبایی رحمته‌الله در این باره می‌فرماید: «أَنَّ مَعْرِفَةَ الرَّبِّ مِنْ طَرِيقِ النَّفْسِ حَيْثُ كَانَتْ أَقْرَبَ طَرِيقًا، وَأَتَمَّ نَتِيجَةً.» (طباطبایی، ۱۴۲۸: ۲۳۷)

معرفت به خداوند متعال از طریق معرفت نفس، نزدیک‌ترین راه است و کامل‌ترین نتیجه را به دنبال دارد.

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله نیز با استناد به آیات و روایات بیان می‌کند که از طریق آیات انفسی می‌توان به شناخت الهی راه یافت. وی در تعریف آیات انفسی می‌گوید: منظور از آیات انفسی نشانه‌های خدا در جان انسان است، همان‌گونه که فرمود: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۸۸)

هرکس خودش را شناخت، خدا را شناخته است. (ر.ک: ناصری، د، ۱۴۰۱، ج ۱: ۱۹۱)

بیش از بیست روایت در کتاب *غررالحکم* و *دررالکلم* درباره معرفت نفس از حضرت امیرمؤمنان علیه‌السلام نقل کرده‌اند. آیت‌الله ناصری رحمته‌الله به یکی از این روایت‌ها استناد کرده‌اند. در تبیین تلازم خودشناسی و خداشناسی که در این روایت بیان شده می‌توان گفت واقعیت انسان، طبق مبانی انسان‌شناختی و هستی‌شناختی فلسفی، به مبدأ آفرینش وابسته است و ربط محض به هستی است. بنابراین، ممکن نیست انسان حقیقت خویش را بیابد و خدای خود که طرف این ربط است را مشاهده نکند؛ زیرا حقیقت انسان از خدا جدا نیست و به غیرخدای سبحان نیز وابسته نیست؛ از این رو ممکن نیست انسان با شناخت درست خود، از معرفت خداوند غافل بماند.

از جمله آیاتی که به معرفت نفس دلالت دارد آیه ۱۰۵ سوره مائده است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فِئْتِنُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما باد رعایت نفس خودتان. اگر شما هدایت یافته‌اید، گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند، به شما زیانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ و شما را از آنچه عمل می‌کردید، آگاه می‌سازد.

واژه «علیکم» از جهت ادبی، اسم فعل امر به معنای «الزموا» می‌باشد. بنابراین، «علیکم انفسکم» یعنی به نفس خود پایبند باشید. اگر خداوند انسان را به ملازمت نفس، امر می‌کند



به این دلیل است که نفس مؤمن راه هدایت و سعادت اوست و طریقی است که باید آن را پیمایید و خط سیری است که به پروردگار می‌رسد.

با توجه به مبانی هستی‌شناختی فلسفی عرفانی، حقیقت هر کمالی آن است که در ذات خود به هیچ قید عدمی مقید نشود. بنابراین خداوند متعال که صرف‌الوجود و حقیقه‌الوجود است هیچ حد و قیدی ندارد. همچنین موجودات عین ربط به خداوند متعال، جلوه و شئون حضرت حق هستند. به بیان دیگر موجودات، مجموعه‌ای از حدود و قیود عدمی آن حقیقت مطلق‌اند که به دلیل اختلاف حدود و قیودشان گوناگون شده‌اند و اگر این حدود و قیود برطرف گردد، کثرت، برداشته شده، وحدت تحقق می‌پذیرد. طبق این مبنا بین ظهور و قیود، رابطه معکوس وجود دارد، یعنی هرچقدر حجاب و قیود کمتر شود، ظهور حضرت حق بیشتر خواهد شد و با افزایش حدود و قیود عدمی، جلوه و ظهور الهی کمتر می‌شود. آیت‌الله سید احمد کربلایی رحمته‌الله دغدغه حقیقی سالک را رفع این قیود می‌داند و می‌گوید: «عنایت قصوای سالکان، اسقاط اعتبارات و اضافات است و خروج از عالم پندار و اعتبار، که عالم غرور است به سوی حقیقت و دارالقرار.» (حسینی طهرانی، ۱۴۲۷: ۸۵)

انسان در اثر بندگی و تربیت معنوی، از تعین و تشخص خود جدا می‌شود که مجموعه‌ای از حدود و قیود عدمی و کمبود وجودی او را شکل می‌دهد و حقیقت نفس را مشاهده می‌کند که با شهود حضرت حق همراه خواهد بود. در این صورت انسان به مقام فنا راه می‌یابد و فنا به این معنا مستلزم بقای آن حقیقتی است که در او ظهور دارد. از این رو، خداوند متعال می‌فرماید: «هرکسی که روی زمین است فانی می‌شود و تنها ذات پروردگارت باقی می‌ماند که با جلال و عظمت است.» (الرحمن: ۲۶ و ۲۷)

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله در این فرایند تعین‌زدایی و راه‌یابی به حقیقت، شش مرحله برای نفس بیان می‌کند که عبارت است از:

۱. نفس اماره؛ ۲. نفس لّوامه؛ ۳. نفس راضیه؛ ۴. نفس مرضیه؛ ۵. نفس ملهمه؛ ۶. نفس مطمئنه. (ناصری، الف، ۱۴۰۱: ۲۲۶) انسان در اثر بندگی حقیقی از نفس اماره گذر می‌کند و توفیق راه‌یابی به نفس مطمئنه را پیدا می‌کند.

عبودیت

عبودیت، در لغت به معنای اظهار ذلت و کوچکی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۲) و در



اصطلاح علمای اخلاق و عرفان به معنای خضوع تام و اطاعت از خداوند متعال می باشد. آیت الله ناصرى رحمته الله علیه با بیانی ساده، بندگی را این گونه وصف می کند: «ما باید عبد باشیم. هر چه خدا گفت، بگوییم؛ چشم. اگر خداوند فرمود: واجبات را به جا بیاور، بگوییم: چشم. اگر خداوند فرمود: محرمات را ترک کن، بگوییم: چشم. این وظیفه ماست.» (ناصری، الف، ۱۴۰: ۴۵)

قرآن کریم هدف از آفرینش انسان و جن را «بندگی» معرفی کرده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾. (ذاریات: ۵۶)

و جنّ و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه ذیل این آیه شریف می فرماید: «حقیقت عبادت این است که بنده، خود را در مقام ذلت و عبودیت قرار داده، رو به سوی پروردگار خود آورد و این است منظور کسی که عبادت را به معرفت تفسیر کرده است؛ یعنی آن معرفتی که به واسطه عبادت حاصل می شود. پس حقیقت عبادت غرض نهایی از خلقت است و آن این است که بنده از خود و از هر چیز دیگری بریده، خدا را یاد کند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۳۸۸)

آیت الله ناصرى رحمته الله علیه با استناد به شریعت، بندگی را عالی ترین مرتبه انسانیت معرفی می کند و از مقام رسالت نیز برتر می داند. ایشان در این باره می گوید: «اگر می خواهی ابرقدرت عالم وجود باشی، بندگی حق را بکن. به تعبیر برخی روایات، اگر می خواهی خدایی کنی، بیا بندگی کن.» (ناصری، د، ۱۴۰: ۲۸۶؛ همو، ج ۳: ۹۷۸؛ همو، ه، ۱۴۰: ۲۴۵)

مراتب بندگی

با استناد به آیات و روایات، می توان، بندگی را به دو صورت تقسیم نمود: ۱. بندگی تکوینی ۲. بندگی اختیاری. (ر.ک: ناصرى، الف، ۱۴۰: ۱۳۳)

انسان افزون بر برخورداری از عبودیت تکوینی، مرتبه والاتری از بندگی را نیز می تواند دارا شود و رسیدن به آن مرتبه، کمالات و مقامات بسیار والای انسانی را در پی خواهد داشت. این مرتبه با بندگی اختیاری حاصل می شود. (ر.ک: همو)

بندگی اختیاری نیز دارای دو مرتبه ظاهری و باطنی است که از آن به «مراقبه» تعبیر می کنند. «مراقبه» در مکتب نجف محوری ترین روش تربیتی و دارای دو مرحله ظاهری و باطنی است:





۱. مراقبه ظاهری

مراقبه ظاهری، اطاعت از دستورهای حق تعالی و اولیایش، در تمامی شئون زندگی است. آیت الله ناصری رحمته الله علیه در این مرحله، چهار دستورکار یا به تعبیر خود، «رکن» بیان می‌کند و معتقد است که برای دستیابی به معرفت و محبت الهی این چهار رکن لازم است که عبارت‌اند از: توبه؛ انجام واجبات و ترک محرّمات؛ اتصاف به فضایل و دفع رذایل اخلاقی و توسل به امام عصر علیه السلام. (ر.ک: ناصری، الف، ۱۴۰۱: ۱۳۱ و ۱۳۴ و ۳۲۱؛ همو، د، ۱۴۰۱، ج: ۱، ۱۹۴؛ همو، ج، ۱۴۰۱: ۵۶؛ همو، ب، ۱۴۰۱: ۲۷)

آیت الله ناصری رحمته الله علیه می‌گوید: «وجود ما را پنج حجاب فراگرفته است: حجاب طینت؛ حجاب غفلت؛ حجاب معصیت؛ حجاب صفات رذیله و حجاب‌های نورانی. هراندازه این حجاب‌ها برطرف شود معرفت قلبی بیشتر می‌شود و محبت حق جلوه می‌کند. (ناصری، د، ۱۴۰۱، ج: ۱، ۱۹۱)

آیت الله ناصری رحمته الله علیه برای برون‌رفت از این حجاب‌ها این‌گونه دستور می‌دهد: اول از کارهای گذشته توبه کنیم. حضرت حق توّاب است و زودبه‌زود توبه‌ها را قبول می‌کند. دوم اینکه تصمیم بگیریم واجباتمان را اول وقت انجام دهیم و گناه نکنیم و اگر شیطان فریمان داد و گناه کردیم، فوری توبه کنیم. سوم اینکه تهذیب اخلاق کنیم؛ یعنی صفات ناپسند را از خودمان دور کنیم و صفات خوب را به دست آوریم. به هراندازه که صفات ناپسند را از خودمان دور کنیم راه باز می‌شود. چهارم اینکه به حضرت ولی عصر علیه السلام توسل داشته باشیم. اگر این چهار رکن را انجام دهیم؛ قطعاً هم معرفت به دست می‌آید و هم محبت. (همو: ۱۹۴) در ادامه به بررسی این چهار رکن می‌پردازیم.

الف. توبه

توبه در لغت به معنای بازگشت از گناه و ترک گناه به بهترین وجه است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۶، ج: ۱: ۲۳۳) توبه، حالتی است که وقتی انسان به بندگی خویش در برابر خداوند متعال توجه می‌کند و می‌فهمد که به مقتضای این بندگی عمل نکرده است؛ از عملکرد خود پشیمان می‌شود و تصمیم می‌گیرد به گذشته بازنگردد. (بهاری، ۱۳۸۰: ۴۲؛ ملکی تبریزی، ۱۳۶۹: ۴۱) امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «توبه پشیمانی با قلب و استغفار با زبان و ترک‌کردن با اعضا است و اینکه تصمیم بگیرد که دیگر مخالفت نکند.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۹۴)

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که چرا توبه به عنوان اولین مرتبه سلوکی معرفی شده است؟ همان‌گونه که قبلاً بیان شد قرب الهی از سنخ معرفت است. شناخت خداوند،



مهم‌ترین و اصلی‌ترین مرحله‌ای است که سالک الی‌الله باید به آن بپردازد؛ اما در ابتدا باید زمینه‌های شناخت در قلب فراهم باشد تا شناخت‌های لازم را به‌خوبی دریافت کند؛ چراکه اگر قلب به بیماری دچار شود، راه‌های ادراکی بسته شده، زمینه برای درک و شناخت از بین می‌رود. قرآن کریم می‌فرماید: «آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند؟ یا بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟» (محمد: ۲۴)

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه می‌فرماید: «اگر کسی بگوید از اول تا حالا اسمی شیعه بودم، ولی حالا می‌خواهم به حقیقت شیعه شوم؛ چکار باید بکنم؟ اول اینکه حق‌الناس برگردنت نباشد. حق‌الناس را باید پیردازی. از گذشته‌هایت توبه کن. وقت و بی‌وقت دو رکعت نماز بخوان و بگو: خدایا من اشتباه کردم. حالا آمده‌ام در خانه‌تو. به جان امام زمان علیه‌السلام قسم خدا می‌پذیرد.» (ناصری، الف، ۱۴۰۱: ۶۱)

ب. انجام واجبات و ترک محرمات

همان‌گونه که بیان کردیم «بندگی» اساس سیر الی‌الله و اولین جلوه‌بندگی، انجام واجبات و ترک محرمات است؛ از این رو، عارفان مکتب نجف به مراقبت در انجام واجبات و ترک محرمات بسیار سفارش کرده‌اند. سید احمد کربلایی رحمته‌الله‌علیه می‌گوید: «تمام مواظبت بر ادای واجبات و ترک محرمات به کمال دقت و تأمل و کمال مراقبت را در طول روز داشته باش.» (بهارى، ۱۳۸۰: ۱۷۵)

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه در این باره می‌فرماید: «اطاعت‌های ما بر دو قسم است: وجودی و عدمی. واجبات از امور وجودی هستند؛ مانند نماز خواندن و روزه گرفتن؛ اما محرمات از امور عدمی هستند؛ دروغ‌نگویا به نامحرم نگاه نکن. هر دوی این‌ها اطاعت و عبادت است.» (ناصری، الف، ۱۴۰۱: ۹۷)

شیخ محمد بهاری رحمته‌الله‌علیه در اهمیت ترک محرمات می‌گوید: «ترک‌کردن گناهان چیزی است که اساس تقوای الهی بر آن استوار است و پایه دنیا و آخرت بر آن پی‌ریزی شده است و مقربان به وسیله هیچ چیزی بالاتر و برتر از ترک محرمات به خداوند نزدیک نشده‌اند.» (بهارى، ۱۳۸۰: ۵۳)

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه درباره محرمات و گناهان، تعبیری دقیق ارائه می‌دهد. ایشان در ابتدا تقسیم مشهور را بیان می‌کند که گناهان بر دو قسم‌اند: گناهان کبیره و صغیره. گناه کبیره آن است که وعده عذاب داده شده یا حدی برای آن تعیین شده و گناه صغیره آن است که حرمت آن بیان شده؛ ولی حدی برایش تعیین نشده است. سپس می‌فرماید: «بنابر نظر بعضی





بزرگان، ما گناه صغیره نداریم؛ هرچه گناه هست کبیره است؛ چون گناه یعنی مخالفت امر خدا و فرقی نمی‌کند که قتل نفس باشد یا نگاه به نامحرم!» (ناصری، الف، ۱۴۰: ۱۱۵)

ج. انجام مستحبات و ترک مکروهات

انجام مستحبات و ترک مکروهات، در تصفیه و نورانی شدن روح تأثیری بسزا دارند. آیت‌الله محمد بهاری رحمته‌الله علیه به سالکان الی‌الله چنین سفارش کرده است: «به هرمقدار که ممکن است پرهیز از مکروهات هم داشته باشد، به مستحبات بپردازد. حتی المقدور چیز مکروه به نظرش حقیر نیاید، بگوید هر کار مکروهی جایز است. بسا می‌شود یک ترک مکروهی پیش مولا از همه چیز مقرب‌تر واقع خواهد بود، یا اتیان مستحب کوچکی.» (بهاری، ۱۳۸۰: ۱۱۱) درجایی دیگر می‌گوید: «تارک الصلاة را بل تارک النوافل را دم از عرفان زدن غلط اندر غلط است.» (همو: ۱۲۶)

نکته درخور توجه آن است که نگاه عارف به مستحبات از نگاه فقیه، دقیق‌تر و عمیق‌تر است. نگاه فقیه به مستحبات نگاه مطلوب بودن است. بدین معنا که انجام واجبات برای رفع تکلیف کفایت می‌کند و انجام مستحبات مطلوب به نظر می‌رسد؛ اما در نگاه عارف، مستحبات جایگاهی ویژه دارد، به گونه‌ای که حقیقت قرب و شهود حضرت حق به واسطه واجبات و مستحبات توأمان حاصل می‌شود. روایات فراوانی به همین مطلب اشاره می‌کند که آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه در مباحث خود به آن استناد کرده است. در حدیث قدسی آمده است: «واجبات، محبوب‌ترین چیزی است که بنده به واسطه آن به سوی من تقرب می‌یابد. سپس با انجام نوافل به سوی من تقرب پیدا می‌کند به گونه‌ای که او را دوست می‌دارم و زمانی که او را دوست بدارم گوش او می‌شوم تا با آن بشنود و چشم او می‌شوم تا با آن ببیند و زبان او می‌شوم تا با آن سخن بگوید و دست او می‌شوم تا با آن بدهد و بگیرد و اگر مرا بخواند اجابت می‌کنم و چنانچه درخواستی کند به او عطا نمایم.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۵۲)

طبق این روایت، مهم‌ترین سبب قرب الهی، انجام واجبات و پس از آن انجام مستحبات است. به همین دلیل مستحبات در تربیت معنوی جایگاهی ویژه دارد به گونه‌ای که می‌توان گفت مستحبات از دیدگاه عارف، وجوب عرفانی پیدا می‌کند.

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه به انجام مستحبات پایبند بود و می‌فرمود: «در این مسیر از تقید به مستحبات و کوشش برای ترک رذایل غفلت نکنید.» (فروزبخش، ۱۴۰۱: ۲۲) وی در میان مستحبات به انس با قرآن بسیار تأکید می‌نمود. (همو: ۵۱) همچنین گفتن ۷۱ مرتبه استغفار در هر روز، اقامه



۵۱ رکعت نماز به صورت روزانه، استغاثه به امام زمان علیه السلام و خواندن نماز امام زمان علیه السلام از جمله سفارش‌های ایشان به عموم مردم بود. ایشان به نماز شب و سحرخیزی اهمیت می‌داد و تأکید می‌کرد کسی که می‌خواهد برای نماز شب بیدار شود نباید پرخوری کند. ایشان می‌فرمود: «شب‌ها کم غذا بخورید؛ هم برای سلامتی خوب است و هم برای سحرخیزی!» (همو: ۷۵) او به نماز جعفر طیار و حدیث کسا التزام داشت و به دیگران نیز سفارش می‌کرد. (همو: ۵۵ و ۵۸)

د. انجام فضایل و دفع رذایل اخلاقی

تربیت معنوی دارای دو ساحت اساسی به نام تربیت اخلاقی و تربیت عرفانی است. به مجموعه فعالیت‌های تربیتی به منظور دستیابی به فضایل و پیراستن رذایل اخلاقی، تربیت اخلاقی می‌گویند. (مظلومی‌زاده، ۱۳۹۸: ۳۲۲)

تربیت اخلاقی، سیره امامان پاک علیهم السلام بوده است؛ چراکه آنان پیروان خود را به اتصاف به فضایل دعوت می‌کردند و از رذایل بازمی‌داشتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیتی به امام علی علیه السلام فرمودند: «بر تو باد که اخلاق نیکو را به کار بندی و از اخلاق ناپسند دوری کنی؛ پس اگر چنین نکردی جز خود را سرزنش مکن.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۷۹) امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «به فضیلت‌ها آراسته باش و از رذیلت‌ها دوری کن.» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۵۲۹)

آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه نیز در این باره می‌گوید: باید تهذیب اخلاق داشته باشیم؛ یعنی صفات رذیله را از خودمان دور کنیم و صفات خوب را به دست آوریم. به هر اندازه که صفات ناپسند را از خودمان دور کنیم راه باز می‌شود. (ناصری، د، ۱۴۰۱، ج ۱: ۱۹۴)

حدنصاب اخلاق، «ملکات نفسانی» است یعنی تا زمانی که صفتی به مرحله «ملکه» و «صفت پایدار نفسانی» نرسیده باشد به آن خلق یا اخلاق نمی‌گویند. اما برای تحقق صفت پایدار در نفس به جهت رابطه عمیق صفت و رفتار، به رفتارهای متناسب و تمرین و تکرار نیازمند هستیم که این امر با تربیت اخلاقی ممکن می‌شود. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۵۴)

تربیت اخلاقی مسیر گذار از وضعیت موجود به سوی قلّه کمال را باز می‌کند و سبب تحقق صفات نفسانی نیکو در جان آدمی می‌شود.

باید توجه کرد که تربیت اخلاقی بر تربیت عرفانی تقدّم زمانی دارد. پس بدون گذر از تربیت اخلاقی راه‌یابی به هدف پایانی ناممکن خواهد بود. به همین دلیل، یکی از مراحل مقدماتی در گام‌های سلوکی، تربیت اخلاقی است؛ اما کسب فضایل و دفع رذایل اخلاقی به واسطه





تربیت اخلاقی به طور کامل تحقق نمی‌یابد؛ بلکه با انجام مراقبات ویژه در تربیت عرفانی و ورود به مرتبهٔ اخلاص و خلوص است که صفات پسندیده، ملکه می‌شود و رذایل «رفع» می‌گردد. عرفای مکتب نجف بر این باور بودند که رذایل اخلاقی به علت نداشتن توجهات توحیدی است. زمانی که توجهات توحیدی در اثر اخلاص محقق شود رذایل خودبه‌خود برطرف می‌گردد و فضایل اخلاقی و همچنین روابط انسانی که در گسترهٔ اخلاق بیان شد، به کمال خویش می‌رسد. به تعبیر علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تربیت اخلاقی «دفع رذایل» مطرح است؛ ولی در سلوک عرفانی «رفع رذایل» است که خودبه‌خود صورت می‌پذیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج: ۱، ۳۵۸) آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه نیز مراتب والای تربیت معنوی را گذراندن مراتب اخلاص معرفی می‌کند که در بخش مراقبهٔ باطنی به آن می‌پردازیم.

ه. توسل به امام عصر رحمته الله علیه

اولین جلوهٔ ولایت، توسل به ائمهٔ معصوم علیهم السلام است، که مکتب نجف به آن اهمیتی ویژه داده و به عنوان یکی از روش‌های اساسی تربیتی با دو رویکرد ظاهری و باطنی، سالکان را به آن سفارش می‌کند.

توسل ظاهری عبارت است از:

۱. توجه دادن به پیروی از دستورها، گفتار و سیرهٔ اهل بیت علیهم السلام؛
۲. دشمنی با دشمنان آنان؛
۳. رفتن به زیارت آنان؛
۴. تشکیل مجالس برای آن‌ها و شرکت در آن؛
۵. ذکر فضایل و مصائب ایشان؛
۶. واسطه‌قراردادن آنان برای برآورده شدن نیازهای دنیایی و آخرتی و کمالات روحی.

آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه توسل به اهل بیت علیهم السلام را یکی از راه‌های حقیقی سلوک معرفی می‌کرد و خود نیز به این امر پایبند بود و حتی مقید بود که به زیارت امامزاده‌ها برود. یکی از شاگردان ایشان چنین نقل می‌کند: «با آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه که به مشهد مسافرت می‌کردیم مقید بودند امامزاده‌ها را در شهرهای مختلف زیارت کنند.» (فروزبخش، ۱۴۰۱: ۴۲) آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه سفارش می‌کردند هر وقت به مکان متبرکی می‌روید زیارتی به نیابت پدر و مادر امام زمان رحمته الله علیه انجام دهید.



سپس می فرمود: «امام زمان علیه السلام پدرومادرشان را خیلی دوست دارند و وقتی شما از طرف پدرومادر امام زمان علیه السلام زیارتی انجام می دهید توجه امام زمان علیه السلام به شما بیشتر می شود.» (همو: ۹۷)

مرحله دوم توسل، توسل باطنی است. توسل باطنی یعنی توجه به «مقام نورانیت» امامان پاک و چون ایشان واسطه های فیض الهی و مظهر تام اسمای حسناى الهی هستند؛ پس انسان هر کمالی از کمالات الهی را که قصد کند باید از طریق ایشان بخواند و هر سالکی که تجلی اسمای الهی را تمنا می کند باید از طریق ایشان درخواست کند تا آنان نیز مقام وساطت خود را برای او ظهور داده و او را به کمال لایق خود برسانند. (ر.ک: ناصرى، ج، ۱۴۰۱: ۱۲۲) آیت الله ناصرى علیه السلام معتقد بود که همه اهل بیت علیهم السلام نور واحد و واسطه فیض الهی هستند. (فروزبخش، ۱۴۰۱: ۲۲) با وجود این باور، آیت الله ناصرى علیه السلام، به توسل ویژه به امام زمان علیه السلام بیشتر توجه می نمودند؛ چراکه در مبانی انسان شناختی عرفانی، یکی از ویژگی های انسان کامل، «وحدت» است. یکی از معانی «وحدت» این است که در هر عصری فقط یک فرد از انسان کامل وجود دارد؛ زیرا خداوند متعال حقیقت واحد است و تعدد برادر نیست و انسان کامل که مظهر تام او می باشد نیز کثرت و تعدد ندارد. (ابن عربی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۹ و ۴۹) امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند: «امام در هر زمان یکی خواهد بود، کسی با او برابری نمی کند، و عالمی معادل او نخواهد بود، و بدل از او وجود ندارد، و ماندنی برای او نیست.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۰۱) از این رو آیت الله ناصرى علیه السلام بر این باور بود که همه اهل بیت علیهم السلام نور واحد و واسطه فیض الهی اند؛ اما در زمان کنونی، امام عصر علیه السلام مسئول عالم وجود هستند. (فروزبخش، ۱۴۰۱: ۲۲) وی با توجه به این حقیقت می فرمود: «یکی از وظایف مهم ما درباره آن حضرت آن است که پیوسته به یاد آن وجود مبارک باشیم. تمامی مراتب عالم وجود به ایشان وابسته است و هستی همه هست ها در گرو هستی اوست. چه ناپسند است کسی ولی نعمت خودش را که تمام نعمت های مادی و معنوی اش از اوست را فراموش کند.» (ناصرى، ج، ۱۴۰۱: ۵۵)

آیت الله ناصرى علیه السلام درباره رابطه انسان با امام زمان علیه السلام می فرمود: «هر مقدار حجاب های ظلمانی کمتر باشد از انوار قدسی حضرت بیشتر بهره خواهیم برد. آنچه باعث حجاب های ظلمانی میان ما و حضرت بقیة الله علیه السلام می شود گناهان و صفات ناپسند است. هرچه اعمال صالح و توجهات ما بیشتر باشد، نورانی تر شده، با آن حضرت سنخیت پیدا می کنیم و می توانیم از وجود مقدسشان بیشتر بهره ببریم.» (ناصرى، ب، ۱۴۰۱: ۲۵)





۲. مراقبه باطنی

مراقبه باطنی به معنای اصلاح نیت و تحصیل اخلاص در مسیر تربیت معنوی است. عرفای مکتب نجف و از جمله آیت الله ناصری رحمته الله علیه معتقدند که این نوع از مراقبه و بندگی، به توحید خالص و شناخت شهودی حضرت حق منجر می شود. (ناصری، د، ۱۴۰۱، ج ۱: ۲۱۰؛ حسینی طهرانی، ۱۴۱۲: ۴۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۴) اخلاص، سبب نورانی شدن قلب انسان می شود. امیرمؤمنان علیه السلام می فرمایند: «هنگامی که اخلاص محقق شود ضمیر و باطن انسان نورانی می گردد.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۵۵) اگر اعمال انسان با انگیزه های الهی همراه نشود چندان نورانیتی نخواهد داشت و زمانی که نورانیت نباشد درکی درست از حق تعالی برای انسان حاصل نمی شود؛ از این رو، نداشتن اخلاص، حجابی است که مانع درک حقایق هستی می شود.

اعمال نیک انسان، شرط لازم رشد است؛ اما کافی نیست؛ بلکه عامل اصلی در تعیین ارزش اعمال و سعادت آدمی «نیت» است. هرکس با انجام دادن هر عمل تنها به همان مرتبه ای دست می یابد که نیت آن را دارد؛ از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «هرکس بر پایه نیتش عمل می کند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۸۴) بنابراین، در اسلام کاری ارزشمند است که افزون بر «حُسن فعلی» یعنی نیک بودن نوع کار، از «حُسن فاعلی» یعنی نیک بودن نیت، نیز برخوردار باشد. (رک: مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰۶) بدین سبب امیرمؤمنان علیه السلام می فرمایند: «تمامی کارها نابود است جز آنچه در آن اخلاص باشد.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۵) کاری که دارای این دو ویژگی باشد «عبادت» نامیده می شود و عبادت هنگامی کاملاً اثرگذار و بارز است که در راستای بندگی حق تعالی باشد. بندگی نیز در گرو توجه خالصانه به خداوند متعال و اظهار خضوع آگاهانه و تسلیم در برابر او و اولیایش می باشد؛ بنابراین حقیقت عبودیت با اخلاص و مراتب آن شکل می گیرد.

آیت الله ناصری رحمته الله علیه درباره اخلاص می گوید: «خلوص یعنی فتح و ظفر برای سیر الی الله که برخی از آن تعبیر به جهاد اکبر کرده اند. اخلاص، کیمیایی است که به هر مسی بزند طلا می شود. در هر عبادتی که آمد مقبول درگاه حق می شود. هر عبادتی که خالص نباشد یک شاهی ارزش ندارد.» (ناصری، د، ۱۴۰۱، ج ۱: ۲۰۱)

آیت الله ناصری رحمته الله علیه بر این باور بود که اخلاص تام در اثر سیر توحیدی حاصل می شود؛





از این رو می‌فرمود: «هنگامی که انسان مراتب سه‌گانه توحید افعالی، صفاتی و ذاتی را طی کرد به کمال توحید می‌رسد که نتیجه‌اش اخلاص است. اخلاص نیز مراتب و مقاماتی دارد: ۱. مقام مخلصین ۲. مقام مخلصین. مخلص، یعنی دین انسان برای خدا خالص باشد و مخلص، یعنی خود انسان برای خدا خالص شده باشد.» (همو: ۲۰۰)

برای دستیابی به این اخلاص، درجات و مراتبی بیان شده تا سالک الی‌الله با تحقق آن بتواند به کمال حقیقی دست یابد. آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه پنج مرتبه برای اخلاص بیان کرده‌اند که عبارت است از:

۱. اخلاص از ریا؛
 ۲. اخلاص از نیات دنیایی؛
 ۳. اخلاص از نیات اخروی؛
 ۴. اخلاص از لذایذ معنوی؛
 ۵. اخلاص از نیت رفع حجاب‌های ظلمانی. (همو: ۲۰۱)
- در ادامه درباره هر یک توضیحی گذرا ارائه می‌نماییم:

الف. اخلاص از ریا

ریا، عبارت است از: «نشان دادن و وانمود کردن چیزی از اعمال حسنه یا خصال پسندیده یا عقاید خود به مردم برای منزلت پیدا کردن در قلوب آن‌ها و شهرت پیدا کردن نزد آن‌ها به خوبی، صحت، امانت و دیانت، بدون قصد صحیح الهی.» (خمینی، ۱۳۷۱: ۳۵) امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «هر ریایی شرک است. همانا هرکس کاری را برای مردم انجام دهد اجرش بر عهده مردم است و هرکس کاری را برای خدا انجام دهد، پاداشش با خداوند است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۹۳)

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه اولین مرتبه از اخلاص را اخلاص از ریا معرفی می‌کند و می‌گوید: «یکی از معانی اخلاص "خالی بودن عمل از شائبه رضای مخلوق" است؛ یعنی وقتی این عمل را انجام می‌دهم، اگر میلیاردها نفر اینجا باشند یا خودم تک‌وتنها باشم، فرقی در عمل من نکند. کاری به رضای مخلوق نداشته باشم؛ خوششان بیاید یا بدشان بیاید، برای من فرقی نکند.» (ناصری، د، ۱۴۰۱، ج ۱: ۲۰۲)

توجه به نشانه‌های ریا برای شخصی که می‌خواهد اخلاص از ریا را درون خود محقق کند



مطلوب است. حضرت علی علیه السلام نشانه‌های شخص ریاکار را این‌گونه بیان می‌فرمایند: «شخص ریاکار سه نشانه دارد: هنگامی که مردم را می‌بیند، نشاط دارد و هنگامی که تنهاست، کسالت دارد و دوست دارد در تمامی امورش ستایش شود.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۹۵)

ب. اخلاص از نیات دنیایی

دومین مرحله برای سالک آن است که اعمالش را از مقاصد دنیایی خالص و پاک گرداند و عمل را به نیت ثواب اخروی انجام دهد تا نورانیت عبادات بر روحش آشکار گردد و اگر انسان اعمالش را به نیت اهداف دنیایی انجام دهد، از تقرب و محبت الهی محروم خواهد شد. (ر.ک: لاری، ۱۳۷۷: ۳۸۳) آیت‌الله ناصر علیه السلام می‌گوید: «مرتبه دوم اخلاص "خالی بودن عمل از مقصودهای دنیوی" است. یعنی توقع نداشته باشی برای عبادتی که انجام می‌دهی، یک اثر دنیوی مترتب باشد.» (ناصری، د، ۱۴۰۱، ج ۱: ۲۰۲)

این حقیقت، در حدیث معراج چنین آمده است: «ای احمد، اگر بنده، نماز بخواند مانند نماز آسمان و زمین و مانند روزه ایشان روزه بگیرد و مانند فرشتگان از غذا دست بردارد و لباس برهنگان بر تن کند، سپس ذره‌ای از حب دنیا، سمعه، ریا، و دل‌بستگی به مقام و زینت‌های دنیا را در قلبش بینم، مجاور من در خانه‌ام نمی‌شود و محبتم را از قلبش قطع می‌کنم.» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۰۶)

ج. اخلاص از نیات اخروی

پس از پاک‌کردن عمل از ریا و انگیزه‌های دنیایی، نوبت به مرتبه‌ای مهم‌تر و عمیق‌تر به نام اخلاص از مقاصد آخرتی می‌رسد. عرفای مکتب نجف با توجه به دیدگاه اسلام، معتقدند که کار اخلاقی و ارزشمند، کاری است که تنها برای تحصیل رضای خداوند انجام گیرد. (ر.ک: بهاری، ۱۳۸۰: ۱۰۷؛ حسینی طهرانی، ۱۴۱۲: ۴۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰۸)

کسانی که خواستار رضای خدا باشند به وسیله قرآن هدایت می‌شوند و کسانی که در طلب خشنودی خداوند نباشند نمی‌توانند از این کتاب بهره ببرند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «به سوی شما آمد از طرف خداوند نور و کتاب روشنی، خداوند کسانی را که از خشنودی و رضایت او پیروی کنند به راه‌های امن و آرامش هدایت می‌کند.» (مائده: ۱۵ و ۱۶) همچنین در وصف گروهی از مردم می‌فرماید: «و از مردم کسی است که جان خویش را به



طلب خشنودی خدا می‌فروشد و خدا به بندگان مهربان است.» (بقره: ۲۰۷)

بنابراین انسانی که قلبش را از غیر خدا پاک و یاد آخرت را در دلش زنده کند، خداوند متعال، حکمت را در دلش تثبیت و استوار می‌سازد و به‌گونه‌ای برای او جلوه می‌کند که قلبش از همه چیز حتی نعمت‌های آخرتی خالص شده، محبت او در دلش جایگزین می‌گردد. سالک در این مرتبه عمل را نه به شوق بهشت انجام می‌دهد و نه از ترس جهنم؛ بلکه صفات و حالات نفسانی او چون دوستی و دشمنی نیز برای به دست آوردن رضای حضرت حق است.

این مرتبه از اخلاص، صفت انسان‌های عارف، عاشق و شاکری است که در روایات بدان‌ها اشاره کرده‌اند. علامه طباطبایی رحمته‌الله نیز با استفاده از آیه **﴿فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾** (حدید: ۲۰) عبادت بندگان را به سه دسته «خوف»، «رجا» و «حب» تقسیم می‌کند و پس از بیان ویژگی گروه اول و دوم، خصوصیت دسته سوم را این‌گونه بیان می‌کند: «دسته سوم که همان طبقه علمای بالله هستند هدفشان عالی‌تر از آن دو دسته است. اینان خدا را نه از ترس، عبادت می‌کنند و نه از روی طمع به ثواب؛ بلکه او را عبادت می‌کنند برای اینکه اهل و سزاوار عبادت است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱: ۱۵۸)

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله نیز در این مرتبه از اخلاص سفارش می‌کند که سالک الی‌الله نباید در نیت مقاصد اخروی باشد. کسی که می‌گوید، من نماز می‌خوانم که به جهنم نروم یا نماز می‌خوانم که به بهشت بروم، در نمازش خلوص نیست. بی‌بهره هم نیست؛ اما خالص نیست. (ر.ک: ناصری، د، ۱۴۰۱، ج ۱: ۲۰۲) حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرمایند: «مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ تَارِكٍ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۱۸۶)

من تو را به خاطر ترس از آتش یا طمع بهشت عبادت نمی‌کنم؛ بلکه بدان جهت پرستش می‌کنم که تو را شایسته پرستش یافته‌ام.

د. اخلاص از لذایذ معنوی

نفس انسانی در اثر مراقبه و تهذیب نفس، به لذایذ معنوی دست پیدا می‌کند. دریافت لذایذ معنوی و توجه به آن در مراحل آغازین سلوک، مانعی برای سالک نخواهد بود؛ بلکه انگیزه‌ای برای ادامه سیر است؛ اما سالک الی‌الله باید بداند که در ادامه راه، باید نفس را از این لذایذ نیز خالی و خالص کند. به همین دلیل آیت‌الله ناصری رحمته‌الله در این مرحله می‌فرماید: «یکی از مراتب اخلاص، خالی بودن از لذایذ معنوی است. شخص می‌گوید دو رکعت نماز خواندم و





کیف کردم یا می‌گوید مدتی است که نماز می‌خوانم؛ ولی لذت نمی‌برم. این نفس است. این عمل برای خدا نیست؛ برای لذت نفس است. فرق است بین عملی که مسقط تکلیف است و عملی که مقبول خداست. آثار و برکات از آن عبادت واقعی است.» (ناصری، د، ۱۴۰۱، ج ۱: ۲۰۳)

ه. اخلاص از نیت رفع حجاب‌های ظلمانی

گفتیم که رشد انسان در اثر رفع حجاب، حاصل می‌شود؛ از این رو انسان باید تمام کوشش و همت خویش را در رفع حجاب‌ها به کار بندد. سالک راه حق باید بداند که در مرتبه عالی اخلاص، نیت رفع حجب نیز مانع سیر است. به همین دلیل آیت‌الله ناصر رحمته‌الله علیه می‌گوید: «مرتبه پنجم اخلاص آن است که عمل، از شائبه رفع حجاب‌های ظلمانی هم خالی باشد؛ یعنی حتی برای اینکه حجاب‌های ظلمانی من برطرف شود نیز نماز نخوانم.» (همو: ۲۰۴)

ایشان می‌فرماید: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایتی به تمام این مراتب اخلاص اشاره کرده‌اند. (همو) حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «أَذْنِي حَدِّ الْإِخْلَاصِ بَدَلُ الْعَبْدِ طَاقَتَهُ ثُمَّ لَا يَجْعَلُ لِعَمَلِهِ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۲۴۵)

کمترین مرتبه اخلاص این است که بنده، همه تلاشش را برای بندگی خدا بگذارد و برای عملش مزد و پاداشی در نزد خدا در نظر نگیرد.

نتیجه‌گیری

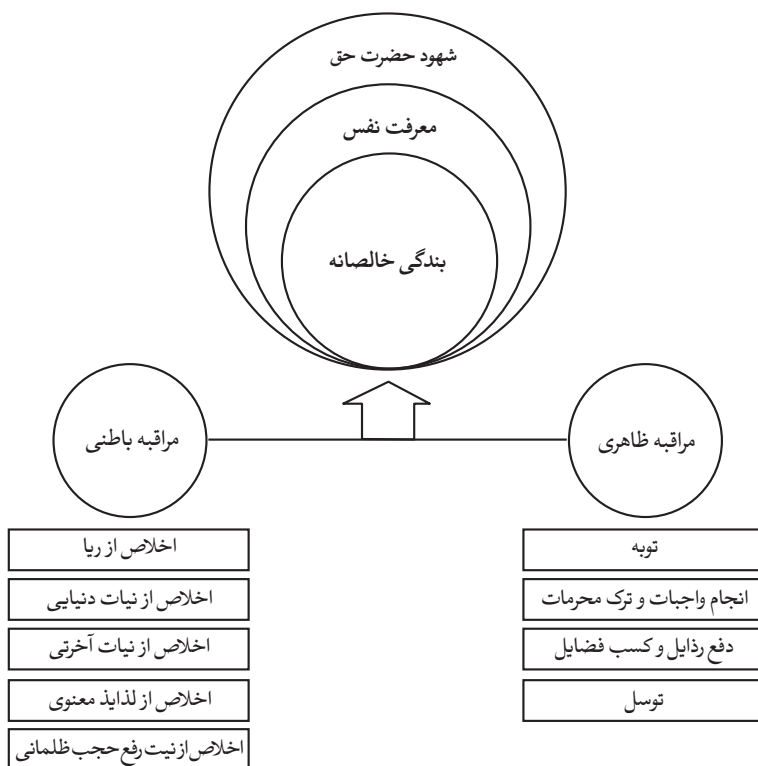
پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش بود که آیا می‌توان از سیره علمی و عملی آیت‌الله ناصر رحمته‌الله علیه در ساحت تربیت معنوی به دست آورد تا کاستی‌های موجود در فضای تربیتی را جبران کند و چراغ راهی برای طالبان حقیقت باشد؟ با تحلیل و بررسی روش تربیتی آیت‌الله ناصر رحمته‌الله علیه به این نتیجه دست یافتیم که هدف پایانی در تربیت معنوی، قرب الهی و شهود حضرت حق می‌باشد. با توجه به آیات و روایات صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دلیل عقلی، قرب الهی از طریق معرفت نفس حاصل می‌شود و معرفت نفس نیز از راه بندگی به دست می‌آید. بندگی حقیقی به ابزاری به نام «مراقبه» نیازمند است و با توجه به سیره علمی و عملی آیت‌الله ناصر رحمته‌الله علیه می‌توانیم مراقبه را به دو دسته ظاهری و باطنی تقسیم کنیم. مراقبه ظاهری دارای چهار رکن یا مرحله می‌باشد که عبارت است از: توبه؛ انجام واجبات و ترک محرمات؛ انجام فضایل و دفع رذایل اخلاقی و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و به‌طور ویژه توسل به امام عصر علیه‌السلام.



مراقبه باطنی نیز به نیت و مراتب اخلاص مربوط است که خود دارای پنج مرتبه است:

۱. اخلاص از ریا؛
۲. اخلاص از نیات دنیایی؛
۳. اخلاص از نیات آخرتی؛
۴. اخلاص از لذایذ معنوی؛
۵. اخلاص از نیت رفع حجب ظلمانی.

نفس آدمی در اثر این مراقبات سیر معرفتی و توحیدی پیدا می‌کند و مراتب سه‌گانه توحید افعالی، صفاتی و ذاتی را یکی پس از دیگری سپری می‌نماید. به گونه‌ای که در مرحله اول به مقام مخلصان راه می‌یابد و سپس خداوند او را برای خویش صاف و زلال می‌کند و نشان مقام مخلصان را به او عطا می‌نماید.



نمودار ۲: طرح‌واره کلی از مراقبه تا شهود



منابع

۱. ابن منظور (ابی فضل)، جمال الدین، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۲. ابن عربی، محیی الدین، الفتوحات المکیة، تحقیق: عثمان یحیی، قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۴۱۰ ق.
۳. خمینی رحمته الله، روح الله، چهل حدیث، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، ۱۳۷۱ ش.
۴. آذرتوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر، تهران: نشر نی، ۱۳۹۰ ش.
۵. باقری، خسرو، الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی، تهران: مدرسه، ۱۳۸۹ ش.
۶. بهاری همدانی، محمد، تذکرة المتقین در آداب سیروسولوک، قم: نهاوندی، ۱۳۸۰ ش.
۷. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۸. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، رساله لب اللباب در سیروسولوک اولی الالباب، مشهد: علامه طباطبایی، ۱۴۲۱ ق.
۹. _____، توحید علمی و عینی، مشهد: علامه طباطبایی، ۱۴۲۷ ق.
۱۰. حق شناس، علی محمد و دیگران، فرهنگ معاصر هزاره، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. دلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم الدارالشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعۀ مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. _____، الانسان والعقیده، تحقیق: الربیعی، صباح والاسدی، علی، قم: باقیات، ۱۴۲۸ ق.
۱۶. فروزبخش، محمود، یادنامه آیت الله محمد علی ناصری، اصفهان: اصفهان زیبا، ۱۴۰۱ ش.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. لاری، سید عبدالحسین، رسائل (رساله فی آداب المتعلمین)، تحقیق: سید علی میرشریفی،



تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷ش.

۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربیة، ۱۴۰۳ق.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۷ش.
۲۱. _____، خودشناسی برای خودسازی، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ش.
۲۲. مظلومی زاده، کمال الدین، الگوی تربیت عرفانی مکتب نجف، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۸ش.
۲۳. ملکی تبریزی، میرزا جواد، رساله لقاء الله، قم: انتشارات هجرت، ۱۳۶۹ش.
۲۴. میرزایی، خلیل، فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی، تهران: نشر فوژان، ۱۳۹۳ش.
۲۵. ناصری، محمد علی، رسم بندگی (الف)، شرح خطبه متقین، تحقیق و تدوین: سید حبیب الله حسینی زنانی، قم: انتشارات خُلق، ۱۴۰۱ش.
۲۶. _____، سخن دوست (ب)، تحقیق و تدوین: سید حبیب الله حسینی زنانی، قم: انتشارات خُلق، ۱۴۰۱ش.
۲۷. _____، آب حیات (ج)، تحقیق و تدوین: مجید هادی زاده، قم: انتشارات خُلق، ۱۴۰۱ش.
۲۸. _____، جام اسرار (د)، شرح زیارت جامعه کبیره، تحقیق و تدوین: سید حبیب الله حسینی زنانی، قم: انتشارات خُلق، ۱۴۰۱ش.
۲۹. _____، در امتداد نور (ه)، تحقیق و تدوین: محمود مطهری نیا، قم: انتشارات خُلق، ۱۴۰۱ش.



